



## نظر علامه طباطبایی درباره عالم ذر با ادله نقلی سازگاری ندارد

آیت‌الله سیدان ضمن اشاره به نظریه علامه طباطبایی در مورد عالم ذر بیان کرد: علامه ادله مثبتین و منکرین عالم ذر را آورده و هر دو نظر را رد کرده و به نظر دیگری قائل شده است ...

آیت‌الله سیدان ضمن اشاره به نظریه علامه طباطبایی در مورد عالم ذر بیان کرد: علامه ادله مثبتین و منکرین عالم ذر را آورده و هر دو نظر را رد کرده و به نظر دیگری قائل شده است و می‌گوید ادله نقلی خلاف عقل است و نمی‌توان به نحوی که مشهور است قائل به عالم ذر شد، بلکه ایشان عالم ملکوت را مطرح می‌کند، حال آنکه نظر ایشان بر اساس ادله صحیح نیست.

به گزارش ایکنا؛ همایش «عالم ذر و عوالم پیش از دنیا»، امروز ۱۰ خردادماه به همت موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به صورت مجازی برگزار شد. آیت‌الله سیدجعفر سیدان، در این همایش با موضوع «بررسی دیدگاه علامه طباطبایی درباره «عالم ذر»» به ایراد سخن پرداخت که در ادامه متن آن را می‌خوانید:

در ارتباط با مسئله عالم ذر، در خصوص نظریه مرحوم علامه طباطبایی، برای برخی از دوستان در سال‌های گذشته مسئله عالم ذر در جلسات متعددی مطرح شد و به صورت جزوه ای مکتوب شده است که در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد و نسبتاً با توجه به رعایت اختصار، مسائل مختلفی در آن مکتوبه آمده است. اما فعلاً در ارتباط با نظریه مرحوم علامه طباطبایی در کمال اختصار و اشاره باید بگویم علامه ذیل آیه ۱۷۲ سوره اعراف بحث خود را ارائه کرده‌اند. ابتدا آیه را تشریح کرده‌اند که به گونه‌ای خاص این کار صورت گرفته و جریان را به عنوان یک لسان حال تبیین فرموده‌اند و بالاخره نظر کسانی که قائل به عالم ذر هستند را آورده که می‌گویند در عالمی خداوند به صورت ذر، افراد را خلق کرده و قدرت تعقل و شعور به آنها داده و خدا خودش را به آنها معرفی کرده است و نظر مثبتین را بیان کرده‌اند.

علامه نظر منکرین عالم ذر را نیز بیان کرده است که آیه را به معنای تولد دنیوی مطرح کرده‌اند و حدوداً شش اشکال به نظر مثبتین از دیدگاه منکرین مطرح شده است و بعد هم باز جواب مثبتین را در مورد این اشکالات بیان کرده‌اند. پس از بیان این مسائل فرموده اند آنچه که حق مسئله است، این است که ما مطلب را به گونه دیگری باید وارد شویم و نظر مثبتین را گفته‌اند خلاف ضرورت عقل و نقل قطعی است و نظر مثبتین را مردود دانسته‌اند و نظر منکرین را نیز قبول ندارند که آیه در مورد زبان حال بنی آدم باشد. معتقدند «إذ» نشان می‌دهد این جریان غیر از دنیا رخ داده است و پس از اینکه نسبت به نظریه مثبتین اشکالاتی کرده‌اند، سپس نظر خود را بیان کرده‌اند.

بنابراین، در ارتباط با نظر خودشان عبارتی دارند که در تفسیر المیزان آمده و این عبارت گویای مدعای ایشان است. می‌گویند حق در مسئله این است که انسان و همه موجودات یک وجود جمعی دارند و از یک عالم قبل از این آدم که قبل زمانی نیست و رتبی است آمده‌اند و همه در آن عالم جمعی وجود دارند و الآن هم هست و این وجود نیز به وجود خاصی است که در آنجا خطاب و سوال و جواب تحقق یافته است و در آن عالم، تشخیصی برای نوع انسان به وجود آمده است و آن وقت نیاز به تعلق خود به حق تعالی را فهمیده است و به زبان استدلال عقلی فهمیده‌اند که نیاز به رب دارند و فقیر الی‌الله هستند و همین شناخت خداوند در حقیقت بله گفتن آنها است که از ناحیه حق تعالی استشهاد از آنها است و بعد از آن انسان به این عالم وارد می‌شود.

بنابراین آن عالم، محیط بر این عالم است و ذرات از صلب خارج نشده‌اند. به بیان دیگر، انسان دو وجهه دارد؛ یکی وجهه ربوبی که مربوط به عالم ملکوت است و یک وجهه ناسوتی که مربوط به عالم طبیعت است و عالم ملکوت یک سعه خاصی است که میثاق مربوط به آنجا است و در نتیجه ایشان به عالم ذر معتقد هستند، اما تنها راه تبیین آن را اعتقاد به وجود جمعی و بدون تشخیص انسان‌ها در ظرف ملکوت می‌دانند که اکنون نیز وجود دارد، اما نه آن طور که عموم مثبتین معتقدند.

علامه در این مورد با اشاره به آیه: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»، اثبات کرده که برای هر موجودی نزد خدا وجود غیرمحدودی دارد که وقتی به دنیا می‌آید، دچار مقدوریت می‌شود و برای انسان نیز سابقه وجودی در خزائن او است که وقتی به این نشئه آمده، محدود شده است.

در ارتباط با این مسئله که فرمودند این فرض و این مطلب در جای خودش بحث شده است که آیا مستدل است یا نیست و آیا مشکلی دارد یا ندارد، اما مهم اینکه آیه شریفه و روایاتی که رسیده است، اگر بررسی شوند، استفاده عالم ذر به کیفیتی که علامه گفته بی‌تناسب است؛ چون در روایات تصریح شده به اینکه تخاطبی در کار است و تصریح شده به اینکه در عالم ذر افراد تشخیص پیدا کردند و هر فردی دون فرد دیگری است. علامه اشکالاتی را قبلاً داشتند و گفتند اینها خلاف ضرورت عقل است، اما

این نظر علامه، صرفاً استبعاداتی است، والا منتهی به امر محال دیگری نمی شود. بنابراین در حد اشاره بیان شد که به اضافه آنچه که به عرض رسید که آیات و روایات مربوط به عالم ذر که مثبتین استدلال کرده اند، آنچه علامه در این زمینه فرموده است و عالم جمعی خاصی را دانسته اند، هرگز تناسب ندارد، بلکه به این صورت بیان می کنم که در سه مورد آیه و احادیث مربوطه ای که مثبتین ارائه کرده اند، با نظریه ایشان سازگار نیست.

یکی اینکه در آیه و احادیث این مطلب بیان شده که تکثر در کار است و ذرات وجودی دارند که متمایز از هم هستند، اما ایشان اصرار دارند در آن عالم ملکوت تکثری در کار نیست و سوال و جوابی هم مطرح نیست، ولی به نحو استدلال عقلی است، اما آیه و روایات مسئله تکثر را به عنوان ذرات کثیره بیان کرده اند و گویا است و این با فرض ایشان سازگار نیست.

در این آیات و روایات مربوط به عالم ذر برخی از روایات تصریح به این است که جمعی بلی گفتند، در حالی که نفاق نشان دادند و اعتقاد قلبی خود را ابراز نکردند، کما اینکه در حدیثی است که اینها گفتند بلی، اما برخی اقرار قلبی نداشتند و نفاق نشان دادند. اما در فرض ایشان تمام آنها که در عالم ملکوت بودند، این حالت اقرار را داشتند و حالت نفاقی در آنها نبوده است و نظریه علامه با این احادیث نیز سازگار نیست.

مطلب سوم اینکه ایشان گفتند مکالمه لسانی و قولی نبوده است و اصرار بر این جهت داشتند، حال آنکه، در برخی از روایات معتبر به صراحت این معنا آمده است که از امام(ع) سوال شد قبل از مکالمه خدا با موسی آیا با دیگری هم خدا صحبت کرده است؟ آن وقت فرمودند با همه صحبت کرده است و در مورد این مسئله که با همه صحبت کرده، عالم ذر را مطرح کردند و گفتند در این عالم چنین بوده است و از آنها سوال کرده و آنها نیز جواب داده اند. تصریح شده آنچه در مورد موسی انجام شده است، همان در عالم ذر انجام شده است و نسبت به فرضیه ای که علامه طباطبایی فرمودند در سه مورد با روایات و آیات مربوطه سازگاری وجود ندارد.

گزارش از مرتضی اوحدی